



بررسی تطبیقی دیو و شیطان

بر اساس قرآن و متون زرتشتی

مهین احبابی

دکترای فلسفه فرهنگ و انسان‌شناسی تاریخی

هدف ابلیس و گروه شیاطین فقط انسان است نه چیز دیگری. نکته مشترک در هر دو دین این است که خداوند به انسان‌ها توصیه کرده با اندیشه و طبق راهنمایی پیامبران و کتاب مقدس راه درست را انتخاب کنند و خود را از وسوسه‌های شیطانی مصون نگاه دارند.

کلیدواژه‌ها: اهریمن، ابلیس، دیو، پری، شیاطین، جن، آفرینش، خیر و شر

مقدمه

از ابتدای خلقت انسان در جهان هستی، مبارزهای دائمی میان انسان با نیروهای اهریمنی و شر در جریان است. نیروهای اهریمنی در جهت تخریب انسانیت و بنیان فکری نوع بشر گام برمی‌دارند تا او را از حرکت در مسیر تکامل و رسیدن به روشنایی بازدارند. در این راه، خداوند متعال با فرستادن پیامبران به راهنمایی و هدایت انسان پرداخت و در تمام ادیان توحیدی انسان را از وسوسه‌های شیاطین بازداشت. هر ملتی بر طبق فرهنگ، دین و آیین و زبان

چکیده

در آیین مزدیسنا (زرتشتی) با دو نیرو روبه‌رو هستیم؛ نیروی شر به سرکردگی «اهریمن» و نیروی خیر به سرکردگی «اهورامزدا». اهریمن آفریننده تمام موجودات شر و پلید، از جمله دیوان و پریان، است و اهورامزدا آفریننده مخلوقات خیر، راستی و فرشتگان. واژه ابلیس در قرآن معادل اهریمن و شیاطین و جن معادل دیوان و پریان است. بر اساس قرآن، جن‌ها مخلوقاتی‌اند از جنس آتش که پیش از خلقت انسان آفریده شدند و روی زمین زندگی می‌کردند. آن‌ها مانند انسان جنسیت، توالد و تناسل و مرگ دارند. سرکرده جن‌ها «ابلیس» نام دارد. هر جنی که در راه راست حرکت کند و مطیع دستورات الهی باشد جن نام دارد، اما اگر راه ابلیس، شر و پلیدی را در پیش گیرد، جزو شیاطین محسوب می‌شود و در قیامت به همراه ابلیس به دوزخ می‌افتد. ولی دیوان و پریان در دین مزدیسنا خوب و بد، مرگ و میر، توالد و تناسل ندارند. زیرا آن‌ها آفریده اهریمن و ذاتاً بد و شرور هستند و فرجامشان تباهی و فرورفتن در تاریکی است. هدف اهریمن دشمنی با اهورامزدا و تمام آفریده‌های او، مخصوصاً انسان، است که بهترین آفرینش است. در قرآن،

خویش نامی برای نیروهای شر و پلیدی مشخص کرده است. در کتاب آسمانی قرآن و کتاب دین زرتشتی به نام اوستا مطالب جامعی در مورد نام و انواع نیروهای شر، وسوسه‌های شیطانی، دشمنی اهریمن و شیاطین با انسان، طینت و ذات، نوع و جنسیت، شرایط زندگی، عاقبت کار نیروهای شر و راه‌های مبارزه با آن‌ها آمده است. انسان مؤمن، معتقد، با فکر و تدبیر به راهنمایی‌ها عمل می‌کند تا به رستگاری برسد.

در این مقاله سعی شده است به‌دور از تعصب، تفسیر و بحث‌های تخصصی فقهی، نوعی بررسی تطبیقی صورت گیرد دربارهٔ واژگان دیو، اهریمن و پری و همچنین ماهیت، جنسیت، میزان اختیارات و اعمال آن‌ها در متون زرتشتی با واژگان ابلیس، شیاطین و جن در قرآن کریم و سایر کتاب‌های مرتبط با موضوع.

معنی و مفهوم واژگان ابلیس، شیطان، اهریمن، دیو و پری

در قرآن واژگانی چون شیطان، ابلیس وجود دارند که از لحاظ عملکرد، و معنی و مفهوم در جهت شر و بدی حرکت می‌کنند. در آیین مزدیسنا (زرتشتی)^۱ نیز واژگانی چون اهریمن، دیو، جادوان و پری‌ها ذکر شده‌اند که همه از گمراه‌کنندگان و مظاهر شر، تباهی و دشمن آفریده‌های اهورایی^۲ هستند (پورداوود، ۱۳۵۶: ۱۲). حال معنی و مفهوم هر یک بررسی می‌شود:

۱. واژهٔ فارسی «اهریمن» در زبان اوستایی^۳ «انگره مینو» و در زبان پهلوی^۴ «آهرمن»، به معنی مینوی ستیزنده و دشمن، نام یکی از دو مینوی اصلی در اسطورهٔ آفرینش است. او آفریننده و سرکردهٔ همهٔ دیوان و آفریدگار همهٔ آفرینش بد، شر، ناپاک و پدیدآورندهٔ بیماری‌ها و زشتی‌هاست (دوست‌خواه، ۱۳۸۷: ۵-۹۳۴).

۲. واژهٔ «دیو» در زبان اوستایی «دئوه»، آفریدهٔ اهریمن، است. در متون زرتشتی، دیوها عملکرد و معنای گسترده‌ای دارند. آن‌ها به‌طور متعارف به چشم انسانی دیده نمی‌شوند و هر یک برای خود اسم و ویژگی‌های شخصی دارند. آن‌ها از انسان قدرتمندترند و در سرتاسر جهان حضور و فعالیت دارند و از راه‌های بسیاری در زندگی آدم‌ها به‌صورت مخرب و منفی دخالت می‌کنند. دیوها با پدیده‌های طبیعی نظیر آتش، باران، صاعقه، سیل، حیوانات خطرناک و موزی، کوه آتشفشان، بیماری و غیره اتحاد و ارتباطی دارند. می‌توان گفت، دیوها نیروهای غیربشری هستند که موجب نابودی و خرابی آفریده‌های نیک اهورایی (خدای یگانه) می‌شوند. برخی از دیوان ماده‌اند و برخی نر. شمار ماده دیوان در مقایسه با دیوان نر محدود است. از جملهٔ دیوان: دیو دروج (دروغ)، ماده دیو بوشاسپ (دیو خواب صبحگاهی که انسان را از کار بازمی‌دارد)، دیو هیج یا هیز (دیو قحطی و خشکسالی) (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

اما در ادبیات فارسی، دیو چهره‌ای افسانه‌ای و عجیب‌الخلقه می‌یابد. در داستان‌های ادبی او را با قدی بلند، هیکلی مهیب و درشت و دو شاخ بر سرش تصور می‌کنند. چنان‌که در شاهنامه، دیوان، از جمله دیو سپید که رستم با او جنگید و او را کشت با چنین خصوصیتی بیان شده‌اند.

به‌کار آورد آن دانشی کت خدیو
بداده است و منگر به فرمان دیو

(فردوسی)

(دهخدا، ۱۳۵۱: ۵۸۷، ۵۸۸)

۳. واژهٔ «پری» در اوستا «پئیریکا»، موجودی مؤنث، ظریف و زیبا، آفریدهٔ اهریمن است که در زمرهٔ سربازان اهریمن، بر ضد زمین، گیاه، آب، ستوران، آتش و انسان در کارند. او گماشته شده تا انسان‌ها را از راه راست منحرف سازد و از اعمال نیک باز دارد. همین پری‌ها هستند که به شکل ستارگان دنباله‌دار با تیشتر (فرشته باران) در حال ستیز و رزم‌اند تا وی را از بارندگی باز دارند و زمین را از خشکی ویران سازند (پورداوود، ۱۳۵۴: ۱۴). از جمله پری‌ها، «پری جهی» است که دختر اهریمن و مظهر روسپی‌گری و ناپاکی زنانه است.

اما در ادبیات فارسی مفهوم پری تغییر می‌یابد و با دو گونهٔ خوب و بد پری روبه‌رو هستیم. پری در لغت‌نامهٔ فارسی به‌صورت «موجود متوهم، صاحب پر که اصلش از آتش است و به چشم نیاید و غالباً نیکوکار است، به عکس دیو که بدکار باشد» معنی شده است (دهخدا، ۱۳۵۱: ۲۹۹). او آدمیان را شیدای زیبایی خود می‌سازد و به نابودی و گمراهی می‌کشد، یا اینکه انسان را یاری می‌کند و به هیئت‌های مختلف نمایان می‌شود. به قهرمان داستان کمک می‌رساند و سرانجام این قهرمان جوان با دختر شاه پریان ازدواج می‌کند.

پری خواندم او را وز انروی خواندم
که روی پری داشت آن پرنیان بر

(فرخی)

پری نهفته رخ و دیو در کرشمهٔ حسن
بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی است

(حافظ)

(دهخدا، ۱۳۵۱: ۳۰۰)

در شاه‌نامه نیز از پری یاد شده است:
که جمشید با تاج و انگشتری
به فرمان او مرغ و دیو و پری
(شاه‌نامه، ۱۳۷۵: ۱۹)

حتی در بسیاری از مناطق ایران چشمه‌هایی به نام چشمهٔ پری وجود دارد (هینلز، ۱۳۸۵: ۷-۱۶۶) در قرآن کریم، برای نیروهای شر کلماتی چون ابلیس، شیطان به کار رفته‌اند که هر کدام عملکردی خاص در جهان هستی دارند.

در قرآن واژگانی
چون شیطان
و ابلیس وجود
دارند که از لحاظ
عملکرد، و معنی
و مفهوم در
جهت شر و بدی
حرکت می‌کنند

دشمنی ابلیس با انسان اشرف مخلوقات است. در قرآن، در سوره‌های اعراف و بقره، آمده است که خداوند پس از آفرینش آدم (ع) از تمام فرشتگان خواست به او سجده کنند



۴. ابلیس اسم خاص از کلمه دیابلس^۵ است. لغویون عرب آن را از ماده «بلاس» به معنی نومید کردن یا اجنبی شمرده‌اند (دهخدا، ۱۳۵۱: ۳۱۹) این واژه دقیقاً در فارسی معادل اهریمن قرار می‌گیرد. براساس مطالب قرآن، ابلیس از سجده بر آدم سر باز زد و به امر خداوند مطرود گشت: «وَ اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین» (بقره/ ۳۴) جالب آنکه در ادامه داستان، موجودی که آدم و حوا را فریب داد، «شیطان» نامیده شده است: «فاز لهما الشیطان عنها فاخر جهما مما کانا فیه و قلنا لهبطوا بعضکم لبعض عدو...» (بقره/ ۳۶)

۵. واژه جن به معنی هر چیز پوشیده از حواس است؛ (دهخدا، ۱۳۵۱: ۷۸۶۱). این موجود نیز با شخصیت دیو و پری شباهت دارد.

۶. واژه شیطان از ماده «شطن شطونا»، یعنی دور شد، دور شدنی است. برخی گفته‌اند از ماده «شاط شیطا» است به معنی هلاک شدن، بر وزن فعلان. در مجموع، هر سرکش و نافرمان از مردم و پری و ستور مار و جز آن را شیطان می‌نامند (دهخدا، ۱۴۷۰۶). این موجود به شخصیت دیو در آیین زرتشتی شباهت دارد. در ترجمه طبری نیز «شیطان» به «دیو» معنی شده که معنی رایج در زبان فارسی است و در آثار فراوان «دیو» به جای «شیطان» آمده است. به طوری که آیه «ان الشیطان للانسان عدو مبین» را طبری چنین معنی کرده است: «حقاً که دیو مردمان را دشمنی است هویدا» (سجادی، ۱۳۶۰: ۵۲).

ابلیس و شیطان از چه نوعی هستند؟ براساس قرآن، ابلیس از نوع جن‌هاست. در لغت‌نامه دهخدا نیز ابلیس مهتر بعضی از جن‌هاست (دهخدا، ۳۱۹).

در قرآن جنس جن و شیاطین آتش سمی است: «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلِ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (حجر/ ۲۷): جن‌ها و شیاطین را از قبل از آتشی داغ‌کشنده آفریدیم» در سوره بقره در داستان خلقت آدم و سرپیچی ابلیس از امر خداوند متعال، ابلیس در پاسخ خداوند می‌گوید، من از آتش آفریده شده‌ام، اما آدم از گل خام (بقره/ ۳۴).

علامه طباطبایی در مورد خصوصیات «جن» می‌نویسد: «جن‌ها طایفه‌ای از موجودات‌اند که بالطبع از حواس ما پنهان‌اند و مانند خود ما شعور و اراده دارند و کارهای عجیب و حرکات سریع، از قبیل کارهایی که در داستان سلیمان (ع) انجام می‌دادند، به ایشان نسبت داده شده است و نیز مانند ما مکلف به تکالیف‌اند و چون ما زندگی، مرگ و حشر داند» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۱).

تشابه و تفاوت در مفهوم و عملکرد

۱. داستان آفرینش هستی در متون زرتشتی (مزدیسنا) با آفرینش هستی در قرآن مجید تفاوت‌ها

و تشابهاتی دارد. نکته مهم در هر دو داستان، زمان و ترتیب آفرینش است. در قرآن، خداوند متعال جهان را در شش روز آفرید. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس/ ۳): پروردگار شما به حقیقت خداست که طبق صلاح و نظام خلقت، جهان را از آسمان‌ها و زمین در شش روز خلق فرمود. آنگاه ذات مقدسش بر عرش توجه کامل نمود و امر آفرینش را نیکو ترتیب داد.

تاریخ طبری (احتمالاً براساس تورات) مدت آن را شش روز و روز هفتم را برای استراحت نوشته است: «از اصحاب پیامبر آورده‌اند که عرش خداوند بر آب بود و چون اراده فرمود که آسمان‌ها و زمین را بیافریند، مشتی از کف آب برگرفت و مشت بگشود... و به دو روز هفت آسمان کرد و زمین را به دو روز بگسترده و به روز هفتم از خلقت فراغت یافت» (طبری، ۱۳۹۰: ۲۱). در مزدیسنا (آیین زرتشتی) نیز داستانی مشابه وجود دارد. خداوند جهان را در شش روز آفرید و ترتیب آفرینش به این گونه است: «نخست آسمان را آفرید، دیگر آب را... سه دیگر زمین... چهارم گیاه... پنجم گوسپند (حیوان) ... و ششم انسان را آفرید... او این شش آفرینش را به شش گاه گاهنبار بیافرید» (فرنبغ، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۱).

۲. نکته دیگر در هر دو داستان آفرینش این است که در قرآن، تمام آفرینش هستی، چه خیر و چه شر، آفریده خداوند یکتاست: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا - خدای بی‌همه موجودات که در روی زمین است» (بقره/ ۲۹). و ابلیس در تکوین هستی هیچ نقشی ندارد. او حتی خالق جن‌ها و شیاطین نیز نیست، بلکه فقط مهتر و سرکرده آن‌هاست. همه چیز (چه خوب، چه بد) زیبا و به‌جا آفریده شده و همه مخلوق ذات احدیت است (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۷).

اما در مزدیسنا دوگانگی دیده می‌شود. در قسمتی از کتاب اوستا به نام گاهان (که سروده خود زرتشت پیامبر است) دو نیروی خیر و شر وجود دارند که در کار عالم‌اند و مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ یکی «سپند مینو» یعنی خرد مقدس، دیگری «انگره مینو» (اهریمن) یعنی خرد پلید که اهورامزدا (خدای یکتا) آفریننده هر دوست (چه خوب و چه بد). در گاهان، یسنای ۴۵، بند ۲ می‌خوانیم: «اینک سخن می‌گویم از دو (مینو) در آغاز آفرینش (سپند مینو) به آن دیگری (انگره مینو) چنین گفت: نه منش، نه آموزش، نه خرد، نه باور، نه گفتار، نه کردار، نه دین، نه روان ما دو مینو با هم سازگارند» (دوست‌خواه، ۱۳۸۷: ۵۱) اما در گذر زمان، عقاید مزدایی دستخوش تغییراتی شد. در اوستای متأخر، دو نیرویی که در برابر هم می‌ایستند، اهورامزدا و اهریمن‌اند که هر دو در

آفرینش هستی نقش دارند. اهورامزدا موجودات پاک و خیر را می‌آفریند و اهریمن موجودات پلید و شر را (فرنبرگ، ۱۳۸۵، ۳۸-۳۳) اهریمن بر قسمتی از جهان آفرینش (جهان پایین و تاریکی) تسلط دارد و اهورامزدا بر جهان روشنایی و نور.

۳. نکته دیگر دشمنی ابلیس با انسان، اشرف مخلوقات است. در قرآن، در سوره‌های اعراف و بقره، آمده است که خداوند پس از آفرینش آدم(ع) از تمام فرشتگان خواست به او سجده کنند. همه سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ - مرا از آتش خلق کردی و او را از گل آفریدی» (سوره اعراف/ ۱۲). در قرآن ابلیس از ابتدای آفرینش انسان بر اثر حسادت و تکبر دشمنی با او را آغاز کرد. او تا روز معلومی زنده است و بندگان را اغوا می‌کند.

اما در متون زرتشتی دشمنی اهریمن با اهورامزدا بر سر آفرینش انسان نبود، بلکه در ماهیت خیر و خود اهورامزدا بود. لذا او با همه آفریده‌های اهورایی دشمنی دارد؛ مخصوصاً انسان که بهترین آفریده اهورامزداست. این دشمنی از ازل آغاز می‌شود و با آفرینش نخستین زوج بشری (مشی و مشیانه) که اصلی گیاهی و خاکی دارند، ادامه می‌یابد. اهورامزدا پس از خلقت به آنان گفت: «شما انسان هستید. شما نیای جهان هستید. شما را من از جهت کامل اندیشی بهتر آفریدم. اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک داشته باشید و دیوان را مستایید» (فرنبرگ، ۱۳۸۵: ۶۶) داستان آفرینش و فریفته شدن مشی و مشیانه توسط دیوان، به داستان آفرینش آدم و حوا و فریفته شدنشان توسط شیطان شباهت بسیار دارد. در بهشت، ابلیس به فریب آدم و حوا پرداخت. او به صورت ماری وارد بهشت شد و با وسوسه حوا و سوگند دروغ موجب گناهکار شدن و هبوط آن‌ها از بهشت شد و در روی زمین نیز با فرزندان آنان به دشمنی برخاست (روضه‌الصفاء، ۱۸) اما در متون زرتشتی نخستین زوج بشر توسط دیوها فریفته شدند، نه اهریمن (البته دیوان این کار را به دستور اهریمن انجام دادند). آن‌ها از ابتدا روی زمین زندگی می‌کردند و این فریفته شدن در حقیقت نخستین گناه آن‌ها محسوب می‌شد. «دیوان به مشی و مشیانه گفتند: شما انسان هستید، پس دیوان را بپوستید تا رشک شما فرو نشیند. مشیانه برخاست از گاو شیر دوشید و به سوی شمال ریخت. با این پرستش و فدیه، دیوان نیرومندتر شدند و مشی و مشیانه به خاطر این کار تا پایان جهان گناهکار شدند» (فرنبرگ، ۱۳۸۵: ۱۲۳ - ۸۳)

۴. نکته دیگر اینکه در قرآن ابلیس بر عوالم غیب و اخبار پنهان جهان هستی آگاهی ندارد. «لَا يَسْمَعُونَ إِلَيَّ الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ - تا شیاطین هیچ وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند و از هر

طرف به قهر رانده شوند» (صافات/ ۸).

در دین مزدایی نیز اهریمن علم محدودی دارد. او و دیوان بر عالم فرشتگان و آسمان دسترسی ندارند و نمی‌توانند بر عوالم غیب و اخبار پنهان آگاهی یابند. فرشتگان مینوی با اهریمن و همه دیوان نود شبانه‌روز جنگیدند تا ایشان را به ستوه آوردند و به دوزخ افکندند. سپس با روی آسمان را ساختند تا پتیاره‌ها نتوانند بدان بیامیزند (فرنبرگ، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۱)

۵. نکته دیگر مهلت خواستن و تعیین زمان بین ابلیس و خداوند متعال است. در قرآن، ابلیس پس از سرپیچی از فرمان الهی مبنی بر سجده بر آدم و مطرود گشتن از بارگاه الهی، از خداوند متعال تا روز قیامت مهلت خواست و خدا به او فرصت داد: «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ» (اعراف/ ۱۴ و ۱۵): شیطان گفت تا به روزی که خلائق برانگیخته شوند مهلت ده مرا. خدا فرمود البته مهلت خواهی داشت»

اما در مزدیسنا، اهورامزدا با علم و آگاهی کاملش از تازش اهریمن به جهان هستی و روشنایی خبر داشت. او می‌دانست که در پایان نه‌هزار سال، اهریمن با ورود به جهان روشنایی و آفرینش دیوان و پلیدی‌ها و تلاش برای نابودی آفریده‌های مینوی، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. بنابراین، اهورامزدا با او پیمان کارزار در زمان نه‌هزار ساله را بست (فرنبرگ، ۱۳۸۵: ۳۵).

۶. نکته دیگر شکست اهریمن (ابلیس) و گروه دیوان و شیاطین در پایان جهان است. در آیین زرتشتی، در پایان نه‌هزار سال، اهورامزدا، اهریمن، دیوان و تمام آفریده‌های شر را شکست می‌دهد و به جهان تاریکی فروخواهد فرستاد. (بهار، ۱۳۷۹: ۳۷)

قرآن نیز جایگاه نهایی ابلیس و پیروانش در قیامت را دوزخ اعلام کرده است: «وَوَرَبِّكَ لَنُخْشِرَنَّهِنَّ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُخْضِرَنَّهِنَّ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثَا» (مریم/ ۶۸). قسم به خدای تو که البته آن‌ها را با شیاطین در قیامت محسور می‌گردانیم. آنگاه همه را در دور جهنم، در حالی که به زانو درآمده‌اند، جمع می‌کنیم».

۷. مورد دیگر اندیشه پلید ابلیس (اهریمن) است. در مزدیسنا اهریمن هرگز چیزی نیکو نیندیشد، نگوید و نکند. او را به نیکویی آفریدگان اهورامزدا راهی نیست (بهار، ۱۳۷۹: ۳۷).

در قرآن نیز ابلیس نیکو نمی‌اندیشد. در روایات اسلامی آمده است: «یکی از عارفان بزرگ که در مکاشفه ابلیس را دید، گفت: مرا سن پیری فرا گرفته، اگر ممکن است از من درگذر. شیطان گفت: در دل من رحم، مروت و مهر قرار نگرفته. اگر چنگالم به تو بند شود، جایب در ته این دره خواهد بود» (محمدی آشنائی، ۱۳۸۶: ۶۸).

۸. مورد دیگر حدود عملکرد دیوان و شیاطین است. در آیین زرتشتی، دیوان و پریان اختیاری برای انتخاب

در قرآن نیز ابلیس نیکو نمی‌اندیشد. در روایات اسلامی آمده است: «یکی از عارفان بزرگ که در مکاشفه ابلیس را دید، گفت: مرا سن پیری فرا گرفته، اگر ممکن است از من درگذر. شیطان گفت: در دل من رحم، مروت و مهر قرار نگرفته. اگر چنگالم به تو بند شود، جایب در ته این دره خواهد بود»

یک گروه می گویند: شیاطین همگی فرزندان ابلیس اند، جز آنکه وی فرزندان خود را به دو قسمت ساخت، قسمتی را مأمور و سوسه انسان و قسمت دیگر را مأمور و سوسه جن کرد



راه درست ندارند. آن‌ها ذاتاً شرور و پلید آفریده شده‌اند. آن‌ها دشمن همه آفریده‌های اهورامزدا، مخصوصاً انسان‌اند و در قیامت همه محکوم به فنا (بهار، ۱۳۷۹: ۳۷).

اما در قرآن جن، مانند انسان، دارای اختیار برای انتخاب راه درست و رستگاری یا راه کفر و دشمنی با انسان و انتخاب دوزخ هستند. در واقع هدف از آفرینش آن‌ها عبادت خداوند است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ - مَا جَنِّ وَّانْسَانَ رَا نِيَا فَرِيدِيْم، مَكْرَ بَرَايَ اَنَكِهْ خُدَا رَا عِبَادَت وَّ پَرَسْتَش كِنْنَد» (ذاریات/۵۶).

جن و شیاطین از یک جنس و گونه هستند، اما «اعمال و کردار» آن‌هاست که نامشان را مشخص می‌سازد. محدث قمی می‌فرماید: «شیاطین قسمی از جن هستند. پس هر جنی که مؤمن باشد، به اسم جن نامیده می‌شود» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۵). در حقیقت جن می‌تواند مؤمن و رستگار باشد، یا یاور ابلیس و از دوزخیان که با نام شیاطین خطاب می‌شوند: «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاسِطِينَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأَوْلِيكَ تَحْرُوقًا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (جن/۱۴ و ۱۵). برخی از ما مسلمان و برخی قاسط و منحرف هستند. پس آنان که مسلمان‌اند، رستگاری را پی جستند و اما قاسط‌ها هیزم دوزخ‌اند.»

«وَمَا كَفَرَ سَلِيمًا وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا» (بقره/۱۰۲). هرگز سلیمان به خدا کافر نگشت، اما شیاطین کافر شدند...»

علما در تفسیر آیه «شیاطین الانس و الجن» (۱۱۲/۶) اختلاف نظر دارند: الف) یک گروه می‌گویند: شیاطین همگی فرزندان ابلیس‌اند، جز آنکه وی فرزندان خود را به دو قسمت ساخت، قسمتی را مأمور و سوسه انسان و قسمت دیگر را مأمور و سوسه جن کرد. پس قسم اول شیاطین انس و قسم دوم شیاطین جن‌اند.

ب) گروه دوم می‌گویند: شیاطین هر متمدن نافرمانی، از نوع جن و انس را نامند و امام‌فخر رازی در تفسیرش از قول ابن عباس بیان کرد که پیامبر (ص) به ابودر فرمود: «هل تعوذن بالله من شر شیطان الانسان و الجن». ابودر گفت: مگر برای بنی آدم شیطان وجود دارد؟ فرمود: بلی، شیاطین انس شریتر از شیاطین جن‌اند (دهخدا، ۱۴۷۰۶).

۹. مورد دیگر جنسیت شیاطین و دیوان است. در قرآن شیاطین و جن دارای جنس‌های مؤنث و مذکر هستند و مانند انسان توالد و تناسل، و مرگ و میر دارند. «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَّذَرِيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِي» (کهف/۵۰): آیا شما مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندان او را دوست خود گرفتید؟»

در آیین زرتشتی نیز دیوان دارای جنس‌های مؤنث

و مذکرند، اما با هم توالد و تناسل و مرگ و میر ندارند تا در قیامت به امر اهورامزدا به تاریکی فرو روند. ولی در اساطیر ایرانی و داستان‌ها آمده است دیوها و پری‌ها با نیرنگ و فریب یا زور با انسان می‌آمیزند و از آن‌ها صاحب فرزند می‌شوند. از جمله «پری اودک» که مادر ضحاک ظالم است. همچنین، در زمان فرمانروایی ضحاک مردان و دختران جوان ایرانی به‌زور با دیوان و پری‌ها مرتبط می‌شدند که حاصلش میمون و زنگی (سیاه) است (فرنیخ، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۹).

۱۰. نکته دیگر این است که جنیان قبل از آفرینش انسان آفریده شدند و روی زمین زندگی می‌کردند. چنان‌که در آیه ۲۷ سوره حجر خداوند فرمود: «من جن‌ها را قبل از انسان از آتش سمی کاشنده آفریدم.»

در تاریخ بلعمی در این مورد آمده است: «وهب بن منبه چنین گوید: از پیغمبر (ص) شنیدم که گفت خدای عزوجل، زودتر چیزی که آفرید از خلقان، دیو آفرید [و هفت‌هزار سال این جهان، ایشان را داد]. پس ایشان را عزل کرد و جهان پریان را داد. [و پنج‌هزار سال ایشان داشتند]. پس از ایشان بستند و به طایفه‌ای دیگر داد و مهتر ایشان جان بود. پس ابلیس را بفرستاد و برایشان مهتر کرد و ابلیس چندی بماند. به خویشان عجب آورد و گفت: چون من کسی نبود. خدای عزوجل از دل ابلیس آگاه شد و آدم (ع) را بیافرید و این جهان به آدم داد و ابلیس را به لعنت کرد» (تاریخ بلعمی، ۱۳۸۰: ۷).

۱۱. مورد دیگر، جایگاه و مکان زندگی دیوان و شیاطین است. در آیین زرتشتی، جایگاه اهریمن و دیوان شمال زمین و در تاریکی قرار دارد. وندیداد فرگرد ۱۹، بند ۱: «اهریمن مرگ‌آفرین، سالار دیوان از سرزمین اپاختر (شمال) پیش تاخت» (اوستا، ۱۳۸۷: ۸۶۱). اما در قرآن مکان و جایگاه شیاطین و ابلیس همه جای زمین است و جای خاصی ندارند.

۱۲. خصوصیت دیگر (مرئی و نامرئی) بودن آن‌هاست. در متون مزدیسنا گاهی دیوان و پریان در نظر انسان دیده می‌شدند و با انسان سخن می‌گفتند. چنان‌که پری «خنثی تی» گرشاسپ (از پهلوانان و قهرمانان دینی) را فریفت و با او پیوست. سپس «دیو بوشاسپ» (دیو خواب) او را به خواب بوشاسپی (تا روز قیامت) فرو برد (دوستخواه، ۱۳۸۷: ۹۷۶).

بلعمی نیز در مورد مرئی بودن دیوان گفته است: «بیشترین از علما آیدون گویند: اندر تاریخ‌ها که دیو و پری از اول عهد آشکارا بودندی و مردم ایشان را دیدندی و دوستی و دشمنی و آشتی و حرب ظاهر بودی تا به وقت نوح(ع) از پس توفان» (تاریخ بلعمی، ۱۳۸۰: ۸۳).

دیو بویستی و دیو مَرشَوَن گفت: به سوی زرتشت بتاز و او را تباه کن. زرتشت دعای (اهَوَن وِیرَته) را خواند. دیوها هراسان گریختند. زرتشت به اهریمن پاسخ داد: ای اهریمن تباهکار! من آفرینش دیو را فرو می‌کوبم. من (نَسوی) دیو آفریده و پری خنثی تی دیو آفریده را فرو می‌کوبم تا روزی که سوشیانت^۷ پیروز پا به زندگی بگذارد.» «دوستخواه، ۱۳۸۷: ۸۶۳ - ۸۶۱)

ابلیس در کار حضرت محمد(ص) نیز اخلال ایجاد کرد: حضور در دارالندوه برای کشتن پیامبر، تحریک مشرکان برای رفتن به جنگ بدر و احزاب و لشکر کشی شیاطین در برابر مسلمانان از جمله تلاش‌های اوست. پیامبر (ص) نیز فرمود: «بر من نیز شیطانی گمارده شده، اگر چه به کمک الهی او تسلیم شده است. بدین روی هیچ گناهی نیست، مگر آنکه ابلیس هنگام انجام و در تحقق آن حضور و دخالت دارد» (محمدی آشنانی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۸).

امیرالمؤمنین(ع) نقل می‌کند که خداوند به حضرت موسی(ع) چهار سفارش کرد که در حفظ آن‌ها کوشا باشد. یکی از آن‌ها عبارت است از: «مادامی که شیطان را مرده نمی‌بینی، از مکر، فریب و نقشه‌هایش ایمن مباش» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۹۶).

پس انسان‌هایی که بر اثر وسوسه‌های شیطانی فریفته شوند، طوق بندگی او را بر گردن می‌اندازند: «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا نَّائِبِيًّا (نساء/۱۱۹): هر کس شیطان را به جای خدا دوست بگیرد، به زبانی آشکار دچار شده است.»

نتیجه

از زمان خلقت انسان توسط خداوند متعال، شیاطین به دشمنی با بهترین آفریده برخاستند. شیاطین با وسوسه انسان آن‌ها را به دشمنی و جنگ با یکدیگر، حرص و طمع، بیماری، شهوت‌رانی، قدرت‌طلبی و موارد دیگر وادار کردند. خداوند با فرستادن پیامبران به هدایت و راهنمایی انسان پرداخت. هدف تمام ادیان الهی، به هر زبان یا ملیتی، هدایت انسان به سوی رستگاری، دوستی و محبت با یکدیگر، مبارزه با شر و پلیدی و مهم‌تر از همه تکامل فکری انسان است، زیرا هدف نهایی از آفرینش انسان و هستی شناخت و عبادت خداوند متعال است.

اما در قرآن شیاطین و جن از نظر انسان پنهان هستند. فقط پیامبران، عارفان و اولیای خدا آن‌ها را دیده‌اند و با آن‌ها سخن گفته‌اند: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (اعراف/۲۷): ابلیس و قبیله‌اش می‌بیند شما را از جهتی که شما نمی‌بینید ایشان را». آن‌ها فقط در وجود بشر می‌توانند نفوذ کنند، نه در غیر بشر و فقط بر اندیشه انسان، نه در تن و بدن او (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۷).

شیاطین و پیامبران

از آنجا که ابلیس (اهریمن) دشمن انسانیت است، پس او و یارانش در برابر همه پیامبران (برگزیدگان خداوند) به دشمنی آشکار برخاستند (محمدی آشنانی، ۱۳۸۶: ۷۰) با وجود آنکه پیامبران اولیاء الله و معصوم بودند خداوند آن‌ها را با شیاطین آزمود یا اینکه نشانه‌ای بود برای پیروانشان که ببینند پیامبران نیز مورد تازش و دشمنی شیاطین قرار می‌گیرند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ (انعام/۱۱۲): همچنین، ما هر پیغمبری را از شیطان‌های انس و جن دشمن در مقابل هم برانگیختیم.»

بر اساس روایتی از امام صادق(ع) و امام رضا(ع)، ابلیس از زمان آدم به بعد نزد انبیا حضور می‌یافت و با آنان گفت‌وگو می‌کرد (محمدی آشنانی، ۱۳۸۶: ۷۰). از میان پیامبران، خداوند قدرت فرمانروایی بر جنیان، شیاطین، دیوان، پرندگان و حیوانات را تنها به حضرت سلیمان (ع) عنایت فرمود: «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْلَمُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (انبیاء/۸۲): و نیز برخی از دیوان را مسخر سلیمان کردیم که برای او در دریا غواصی کنند یا به کار دیگر در دستگاه او بپردازند و ما نگهبان دیوان برای حفظ ملک سلیمان بودیم.»

خسرو ما پیش دیو جم سلیمان شده است

و آن سر شمشیر او مهر سلیمان جم

(منوچهری)

(دهخدا، ۵۸۸)

دشمن تو گر بجنگ تخت تو بگرفت

دیو گرفت از نخست تخت سلیمان

(همان، ص ۵۸۸)

(ابوحنیفا اسکافی)

اهریمن با زرتشت پیامبر نیز به دشمنی برخاست. اما زرتشت پیامبر به کمک اهورامزدا بر او پیروز شد. در وندیداد، فرگرد نوزدهم، بندهای ۵ و ۲ و ۱ آمده است: «اهریمن مرگ آفرین به دیو دروج (دروغ) و

پی‌نوشت‌ها

۱. دین زرتشتی به نام «زرتشت» پیامبر آن است (به آن مزدیسنا نیز می‌گویند).
۲. خداوند یکتا در دین زرتشتی (اهورامزدا) نام دارد.

۳. نام کتاب دین زرتشتی که به زبانی باستانی (زبان اوستایی) نوشته شده و شامل پنج کتاب است به نام‌های «یسنه، یشت‌ها، ویسپرد، خرده اوستا، وندیداد».

۴. زبان دوره ساسانیان (یکی از سلسله‌های پادشاهی ایران پیش از اسلام)

5. Diablos

۶. تپاره = دشمن، منظور دیو است
۷. موعود و منجی بشریت در دین زرتشتی

منابع

۱. بلعمی، ابوالفضل. تاریخ‌نامه طبری (گردانیده منسوب به بلعمی). به تصحیح و تحشیه محمد روشن. انتشارات سروش. تهران. ۱۳۸۰.

۲. بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران. انتشارات آگاه تهران. ۱۳۷۸. چاپ سوم.

۳. پورداود، ابراهیم. یشت‌ها (گزارش). انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.

۴. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۱.

۵. دوستخواه، جلیل. اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایرانیان). انتشارات مروارید. چاپ دوازدهم. تهران. ۱۳۸۷.

۶. سجادی، سیدضیاءالدین. انسان در قرآن کریم. نشر بنیاد قرآن. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۰.

۷. رجالی تهرانی، علی‌رضا. جن و شیطان (تحقیقی قرآنی و روایی و عقلی). انتشارات نبوغ. قم. چاپ چهارم. ۱۳۸۱.

۸. فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه. تهران. انتشارات پدیده. تصحیح محمد رضایی.

چاپ دوم. ۱۳۷۵.

۹. فرنیخ‌دادگی، بندش. به کوشش مهرداد بهار. انتشارات توس. تهران. چاپ سوم. ۱۳۸۵.

۱۰. قرآن کریم. زیر نظر آیت‌الله مشکینی. خط استاد محمد اسماعیلی کیخانی. ترجمه الهی قمشه‌ای. مرکز چاپ و نشر قرآن کریم. چاپ اول. قم.

۱۱. محمدی آشنانی، علی. ابلیس دشمن قسم خورده. مؤسسه بوستان کتاب (نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). چاپ سوم. ۱۳۸۶.

۱۲. محمدین خاوندشاه بلخی (میرخواند). روضه الصفا. تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب. انتشارات علمی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۵.

۱۳. هینلز، جان راسل. شناخت اساطیر ایران. ترجمه باجلان فرخی. انتشارات اساطیر، تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۵.

۱۴. محمدین جریرطبری. تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک). ترجمه ابوالقاسم پاینده. انتشارات اساطیر. چاپ نهم. ۱۳۹۰.